**جلسه 70-182**

**سه‌شنبه – 24/11/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به این بود که اگر کسی از روی جهل به موضوع، حال یا اعتقاد پیدا کرد به جهت قبله یا تحصیل ظن کرد و نماز خواند، ‌بعد از نماز کشف شد که انحرافش کمتر از نود درجه بوده از قبله، ‌دو روایت مطرح کردیم، ‌صحیحه معاویة‌ بن عمار و موثقه حسین بن علوان ‌که مفادش این بود که این نماز اعاده ندارد و اطلاقش هم می‌‌گوید چه داخل وقت ملتفت بشود چه خارج وقت.

مرحوم صاحب حدائق به مشهور ایراد گرفته که فتوی دادند به اطلاق این دو روایت و گفتند انحراف کمتر از نود درجه اگر داخل وقت هم ملتفت بشوید، اعاده ندارد. فرموده که شما چرا روایات دیگری هست آن‌ها را نگاه نمی‌کنید؟ روایات متعدده‌ای داریم که تفصیل می‌‌دهد در صلات علی غیر القبلة، نماز با انحراف از قبله بین این‌که داخل وقت ملتفت بشویم که باید اعاده کنیم، یا خارج وقت ملتفت بشویم اعاده ندارد. نسبت بین این دو طائفه عموم من وجه است.

خوب دقت کنید! صحیحه معاویة بن عمار منحل می‌‌شود به دو خطاب، ‌این طائفه ثانیه مثل صحیحه عبدالرحمن که تفصیل می‌‌دهند بین داخل وقت و خارج وقت این‌ها هم منحل می‌‌شوند به دو خطاب، عملا می‌‌شوند چهار خطاب. خوب دقت کنید! فرمایش صاحب حدائق فرمایش دقیقی است. خطاب اول: انحراف کمتر از نود درجه اعاده ندارد. دو: انحراف بیشتر از نود درجه اعاده دارد. این خطاب اول و دوم مستفاده از صحیحه معاویة بن عمار و موثقه حسین بن علوان است. خطاب سوم: انحراف از قبله در داخل وقت اعاده دارد. خطاب چهارم: انحراف از قبله در خارج وقت اگر ملتفت بشوید اعاده ندارد. این خطاب سوم و چهارم مستفاد از طائفه ثانیه است مثل صحیحه عبدالرحمن که: من صلی علی غیر القبلة ان کان فی الوقت فلیعد و ان کان خارج الوقت فلایعید. پس شد عملا چهار خطاب.

خطاب اول اطلاقش با خطاب سوم تعارض دارند به عموم من وجه. چرا؟ برای این‌که اطلاق خطاب اول چی می‌‌گفت؟ می‌‌گفت انحراف کمتر از نود درجه اعاده ندارد مطلقا لا فی الوقت و لا خارج الوقت. خطاب سوم می‌‌گوید: انحراف از قبله در داخل وقت اگر ملتفت بشوید اعاده دارد مطلقا چه انحراف کمتر از نود درجه چه انحراف بیشتر از نود درجه نسبت بین این خطاب اول و سوم عموم من وجه است، مورد اجتماع انحراف کمتر از نود درجه است که داخل وقت ملتفت بشوید؛ خطاب اول می‌‌گوید انحراف کمتر از نود درجه اعاده ندارد، ‌اطلاقش می‌‌گوید و لو در داخل وقت، خطاب سوم می‌‌گوید انحراف از قبله در داخل وقت اعاده دارد، ‌اطلاقش می‌‌گوید و لو انحراف کمتر از نود درجه. نسبت عموم من وجه است؛ نسبت به انحراف کمتر از نود درجه در داخل وقت تعارض می‌‌کنند، ‌تساقط می‌‌کنند. می‌‌رسیم به خطاب دوم و خطاب چهارم. خطاب دوم و خطاب چهارم هم همین‌طور. خطاب دوم چی می‌‌گفت؟ می‌‌گفت انحراف بیشتر از نود درجه اعاده دارد چه داخل وقت چه خارج وقت. خطاب چهارم می‌‌گفت انحراف از قبله خارج وقت اعاده ندارد چه کمتر از نود درجه چه بیشتر از نود درجه. در چی تعارض می‌‌کنند؟‌ در انحراف بیشتر از نود درجه در خارج وقت ملتفت بشوید؛‌ خطاب دوم اطلاقش می‌‌گوید انحراف بیشتر از نود درجه اعاده دارد مطلقا چه داخل وقت چه خارج وقت، اطلاق خطاب چهارم می‌‌گوید انحراف از قبله داخل وقت متوجه بشوید اعاده ندارد مطلقا چه کمتر از نود درجه چه بیشتر از نود درجه. تعارض می‌‌کند خطاب دوم با خطاب چهارم در انحراف بیشتر از نود درجه که خارج وقت ملتفت می‌‌شوید. این‌ها هم با هم تعارض می‌‌کنند.

دو راه شما دارید برای حل تعارض:

یکی این‌که بیایید اطلاق خطاب اول را حفظ کنید، که می‌‌گفت: انحراف کمتر از نود درجه اعاده ندارد مطلقا چه داخل وقت ملتفت بشوید چه خارج وقت. این اطلاق را حفظ کنید. طبعا باید خطاب سوم را که می‌‌گفت انحراف از قبله داخل وقت اعاده دارد تقیید بزنید به انحراف بیشتر از نود درجه. این را بگویید می‌‌شود موافق نظر مشهور. مشهور همین را می‌‌گویند. مشهور می‌‌گویند انحراف کمتر از نود درجه اعاده ندارد مطلقا، ‌انحراف بیشتر از نود درجه اعاده دارد در داخل وقت ولی خارج وقت ملتفت بشوید اعاده ندارد.

اما راه منحصر به این نیست. راه دومی هم وجود دارد. راه دوم چیست؟‌ بیاییم به جای این‌که بخاطر اطلاق خطاب اول دست از اطلاق خطاب سوم که معارض با او است برداریم بر عکس عمل کنیم. اطلاق خطاب سوم را حفظ کنیم، دست از اطلاق خطاب سوم برداریم. یعنی چه؟‌ یعنی بگوییم انحراف از قبله در داخل وقت اعاده دارد مطلقا، ‌خطاب سوم این را می‌‌گفت دیگه، چه انحراف کمتر از نود درجه چه بیشتر از نود درجه. خطاب اول که می‌‌گفت انحراف کمتر از نود درجه اعاده ندارد حمل بشود بر خارج وقت.

صاحب حدائق می‌‌گوید این راه دوم راهی است که ما می‌‌گوییم. نه این‌که بگوییم جمع عرفی این را اقتضاء می‌‌کند، ‌از باب لاعلاجی است که می‌‌گوییم متعین نیست راه مشهور. یعنی متعین نیست که ما اطلاق خطاب اول را حفظ کنیم و دست از اطلاق خطاب سوم برداریم. لم لایعکس؟ اطلاق خطاب سوم را حفظ کنید دست از اطلاق خطاب اول بردارید، تعارضا تساقطا. نتیجه تعارض و تساقط حرف منِ صاحب حدائق است. نتیجه‌اش این است:‌ می‌‌گویم قدر متیقن رفع ید از عمومات لاصلاة الا الی القبلة، ‌قدرمتیقن رفع ید از عموم اشتراط قبله جایی است که دو شرط در او محفوظ باشد:‌ یک: انحرافت کمتر از نود درجه باشد از قبله، دو: در داخل وقت علم به این انحراف پیدا نکنی، ‌خارج وقت علم به این انحراف پیدا کنی.

این فرمایش صاحب حدائق انصافا فرمایش دقیقی است. ما جواب صاحب حدائق را بدهیم بعد فرمایش آقای حکیم و در ادامه فرمایش آقای خوئی را نقل کنیم.

جواب فرمایش صاحب حدائق این است که بسیار مطلب مطلب دقیقی است اما یک نکته را شما غفلت کردید. و آن نکته این است: در عامین من وجه گاهی مورد افتراق یکی از این دو عام من وجه نادر است به نحوی که این خطاب عام من وجه را اگر بخواهیم حمل کنیم بر آن مورد افتراق حمل بر فرد نادر می‌‌شود. و لذا این عام من وجه کالنص می‌‌شود در مورد اجتماع، چون مورد افتراقش نادر است. نمی‌توانیم مورد اجتماع را از این عام من وجه خارج کنیم و بدهیم به آن عام من وجه ولی آن عام من وجه دیگر مورد افتراقش زیاد است، اگر مورد اجتماع را از او بگیریم این عام من وجه دیگر می‌‌گوید من که مشکل ندارم، آنقدر مورد افتراق من زیاد است که دل من به آن خوش است.

[سؤال: ... جواب:] جمع عرفی است. کالنص می‌‌شود این عام من وجهی که مورد افتراقش کم است.

صحیحه معاویة بن عمار از این قبیل است. چرا؟ برای این‌که دارد: صلی علی غیر القبلة ثم ینظر بعد ما فرغ فیری انه صلی علی غیر القبلة. آقا! شما اگر بخواهید بگویید انحراف کمتر از نود درجه در داخل وقت اگر متوجه بشوید اعاده دارد، باید این صحیحه را حمل کنید بر کسی که بعد از خروج وقت عالم می‌‌شود به انحراف، این حمل بر فرد نادر است. چرا؟ برای این‌که باید فرض کنید آخر وقت نماز خوانده که خیلی فاصله نیفتد با خروج وقت، ‌صدق کند صلی ثم نظر بعد ما فرغ انه صلی الی غیر القبلة. و این فرد نادر است، معمولا نمازهای‌شان را در وقت فضیلت می‌‌خواندند، در سعه وقت می‌‌خواندند. ثم نظر بعد ما فرغ انه صلی الی غیر القبلة ظاهرش این است که فصل طویلی رخ نمی‌دهد بین فراغ از نماز و بین علم به انحرافش از جهت قبله. حمل این روایت بر خصوص جایی که التفات به انحراف از قبله بعد از خروج وقت باشد عرفی نیست. اما حمل طائفه ثانیه که می‌‌گوید رجل صلی الی غیر القبلة ان کان فی الوقت فلیعد و ان کان خارج الوقت فلایعید بر انحراف نود درجه به بالا کاملا عرفی است.

[سؤال: ... جواب:] ینظر بعد ما فرغ انه صلی الی غیر القبلة، ینظر بعد ما فرغ نه ینظر بعد خروج الوقت. ... ینظر که تحری نیست. بعد از نماز نظر کرد. ... حمل این روایت بر خصوص این فرد که اول وقت فضیلت نماز خواند، متوجه نشد به انحرافش از قبله الا بعد از خروج وقت، آن وقت بگوییم مراد از ینظر بعد ما فرغ من الصلاة انه صلی الی غیر القبلة خصوص این فرض است. خب اگر این بود بیان می‌‌کردند نظر بعد ما فرغ بجایش می‌‌گفتند نظر بعد ما خرج من الوقت، چرا گفتند نظر بعد ما فرغ؟ ... اطلاق دارد، حملش بر خصوص علم به در خارج وقت عرفی نیست. ... ینظر بعد ما فرغ ظاهرش این است که فصل طویل رخ نداد بین تبین انحرافش با زمان اداء نمازش. می‌‌تواند این نماز آخر وقت باشد ولی این نادر است.

مؤید این مطلب موثقه عمار است. در موثقه عمار دارد در اثناء نماز ملتفت شد به انحرافش از قبله، امام می‌‌فرماید اگر ما بین مشرق و مغرب باشد فلیحول وجهه الی القبلة و یتم الصلاة. البته ما این را به عنوان مؤید می‌‌گوییم. چرا؟ برای این‌که شما ممکن است بگویید فرق می‌‌کند. کل نماز با انحراف از قبله باشد، ممکن است اعاده داشته باشد، اما اگر بعضی از نماز با انحراف باشد بعض دیگر با انحراف نباشد، شاید شارع تسهیل امر کرده. مثل صلات قبل الوقت، گفت اگر بعض نماز در داخل وقت بوده، صحیح است، کل نماز خارج وقت بوده باطل است. و لذا ما این را به عنوان مؤید ذکر می‌‌کنیم نه به عنوان دلیل قطعی.

[سؤال: ... جواب:] این هم یک طائفه است از روایات دیگه که می‌‌گوید کسی که انحراف از کمتر از نود درجه داشت اعاده ندارد، مطلق است چه داخل وقت چه خارج وقت. این‌که مشکل را حل نمی‌کند. ما صحیحه معاویة بن عمار را آوردیم که بگوییم حملش بر خصوص نفی وجوب قضاء عرفی نیست و لذا کالاخص است. این جواب صاحب حدائق است.

مرحوم آقای حکیم، خوب دقت کنید! دو تا بیان دارد برای جواب از صاحب حدائق:

بیان اول این است، فرموده که اگر این روایات طائفه ثانیه که می‌‌گوید من صلی الی غیر القبلة ان کان فی الوقت فلیعد و ان کان خارج الوقت فلایعید، اگر این کلام امام بود، طائفه اولی که دارد: ما بین المشرق و المغرب قبلة حاکم بود بر این. می‌‌فهماند مقصود امام علیه السلام از من صلی الی غیر القبلة، اعم است از قبله حقیقیه یا قبله ادعائیه ما بین المشرق و المغرب قبلة. مثل این‌که بگوییم من اکرم ولد العالم فکانما اکرم العالم، ‌اکرام ولد العالم اکرامٌ للعالم، ‌بعد یک خطاب دیگر بگوید رجل ترک اکرام العالم، خب یعنی رجل ترک اکرام العالم الحقیقی و العالم الادعائی که ولد العالم است. اما چه کنم، ‌آقای حکیم می‌‌فرماید، چه کنم که اغلب روایات طائفه ثانیه صلی الی القبلة در سؤال سائل آمده. صحیحه یعقوب بن یقطین، ‌صحیحه سلیمان بن خالد و یک صحیحه عبدالرحمن بن ابی عبدالله در سؤال سائل آمده، ‌سألته عن رجل صلی الی غیر القبلة، امام فرمود ان کان فی الوقت فلیعد و ان کان خارج الوقت فلایعید، اما سؤال سائل بود من صلی الی غیر القبلة. خب ما بین المشرق و المغرب قبلة که حاکم نیست بر سؤال سائل. سؤال سائل ظاهر در همان قبله حقیقیه است.

پس حکومت ما بین المشرق و المغرب قبلة که در طائفه اولی هست مثل صحیحه معاویة بن عمار بر این طائفه ثانیه که می‌‌گوید من صلی الی غیر القبلة ان کان فی الوقت فلیعد و ان کان خارج الوقت فلایعید درست نشد. یک صحیحه دیگر عبدالرحمن است او در کلام امام آمده: من صلی الی غیر القبلة ان کان فی الوقت فلیعد و ان کان خارج الوقت فلایعید. ولی اغلب روایات این طائفه ثانیه در سؤال سائل آمده صلات الی غیر القبلة. پس حکومت درست نشد.

اما بیان دومی داریم، ‌آقای حکیم می‌‌فرماید بیان دومی داریم در رد کلام صاحب حدائق. جناب صاحب حدائق! آقا! طائفه اولی دارد می‌‌گوید فرق است بین انحراف کمتر از نود درجه با انحراف بیشتر، ‌ما بین المشرق و المغرب قبلة. شمای صاحب حدائق دارید از خصوصیت می‌‌اندازید ما بین المشرق و المغرب قبلة را. دیگه انحراف کمتر از نود درجه فرق نمی‌کند با انحراف بیشتر، هر دو حکمش این است که داخل وقت ملتفت شدی باید اعاده کنی. پس چه فرق کرد؟

[سؤال: ... جواب:] تعارض در عامین من وجه نباید مستلزم الغاء عنوان بشود. عنوان تفصیل بین ما بین المشرق و المغرب با این بیان شمای صاحب حدائق الغاء می‌‌شود، دیگه این عنوان دخالت در حکم نخواهد داشت.

این فرمایش آقای حکیم ناتمام است. چرا‌؟ این فرمایش دوم را فعلا بگوییم بعد به فرمایش اول ایشان می‌‌پردازیم.

آقا! ما عرض کردیم چهار خطاب درست کردیم، دو خطاب از طائفه اولی مثل صحیحه معاویة بن عمار استفاده شد، دو خطاب از طائفه ثانیه استفاده شد، درسته؟ خطاب اول از این چهار خطاب، خطاب اول می‌‌گوید انحراف کمتر از نود درجه اعاده ندارد، ‌خطاب دوم: انحراف بیشتر اعاده دارد، خطاب سوم: انحراف از قبله در داخل وقت اعاده دارد، خطاب چهارم: انحراف از قبله در خارج وقت اگر ملتفت بشوید اعاده ندارد. جناب آقای حکیم! ما دو طریق هست که این دو طریق هر دو مسلتزم الغاء عنوان است. دو طریق دیگر است که صاحب حدائق آن دو طریق را می‌‌گفت متعین نیست، دو طریقی که الغاء عنوان از آن لازم می‌آید، یکی این است: اطلاق خطاب اول و دوم، هر دو مقدم بشود بر خطاب سوم و چهارم. یعنی اطلاق خطاب اول می‌‌گوید انحراف کمتر از نود درجه اعاده ندارد مطلقا، ‌بگوییم احسنت، اطلاق خطاب دوم می‌‌گوید انحراف بیشتر از نود درجه اعاده دارد مطلقا، این هم بگوییم احسنت، این دو اطلاق را اگر مقدم کنیم بر معارض‌شان، ‌معارض اطلاق اول اطلاق سوم است، معارض اطلاق دوم اطلاق چهارم است، این باعث می‌‌شود آن طائفه ثانیه الغاء بشود چون عملا بین داخل وقت و خارج وقت تفصیل الغاء شد چون خطاب اول و دوم که در آن تفصیل نبود بین داخل وقت و خارج وقت. و همین‌طور عکس آن: بیاییم خطاب سوم و چهارم را که مربوط به طائفه ثانیه است مقدم کنیم، انحراف از قبله داخل وقت اعاده دارد، خارج وقت اعاده ندارد، این دو خطاب را هم مقدم کنیم بر خطاب اول و دوم، این هم الغاء عنوان در طائفه اولی لازم می‌آید چون خطاب سوم و چهارم هم در آن، تفصیل بین انحراف کمتر از نود درجه یا بیشتر از نود درجه نیست. چه خطاب اول و دوم را که از صحیحه معاویة بن عمار در طائفه اولی استفاده کردیم مقدم کنیم بر خطاب سوم و چهارم که از طائفه ثانیه مثل صحیحه عبدالرحمن استفاده شده، چه بر عکس کنیم، ‌خطاب سوم و چهارم را مقدم کنیم بر خطاب اول و دوم، ‌هر دو الغاء عنوان است. یکی الغاء عنوان تفصیل بین انحراف کمتر از نود درجه و بیشتر از نود درجه است، دیگری الغاء عنوان تفصیل بین داخل وقت و خارج وقت است.

این دو راه هر دو باطل است؛ الغاء عنوان تفصیل لازم می‌آید. اما جناب آقای حکیم! غیر از این دو راه باطل دو راه صحیح وجود داشت. صاحب حدائق او را می‌‌گفت؛ می‌‌گفت آن دو راه صحیح تعین ندارد. یک: این‌که ما بیاییم اطلاق خطاب اول را که می‌‌گوید انحراف کمتر از نود درجه اعاده ندارد، اطلاقش را عمل کنیم، مقدم کنیم بر خطاب سوم و لکن اگر این کار را بکنیم آن وقت مجبوریم که اطلاق خطاب دوم را که می‌‌گفت انحراف بیشتر از نود درجه اعاده دارد تقیید بزنیم، بگوییم انحراف بیشتر از نود درجه داخل وقت اعاده دارد. چون نمی‌شود هم اطلاق خطاب اول را مقدم کنیم هم اطلاق خطاب دوم را، الغاء عنوان تفصیل بین داخل و خارج وقت لازم می‌‌آمد. این یک راه. اطلاق خطاب اول را مقدم کنیم بر خطاب سوم و لکن خطاب دوم را تقیید بزنیم به سبب خطاب چهارم. اگر این کار را می‌‌کردیم، می‌‌شد رای شمای آقای حکیم که رای مشهور است. انحراف کمتر از نود درجه اعاده ندارد مطلقا، انحراف بیشتر از نود درجه در داخل وقت اعاده دارد، ‌خارج وقت قضاء ندارد.

اما راه متعین در این نیست. راه صحیح دومی هم وجود دارد. و آن این است که بیاییم اطلاق خطاب اول را از آن رفع ید کنیم، به اطلاق خطاب سوم عمل کنیم که می‌‌گفت انحراف از قبله در داخل وقت اعاده دارد مطلقا به او عمل کنیم بگوییم انحراف از قبله در داخل وقت ملتفت بشوید چه کمتر از نود درجه چه بیشتر از نود درجه اعاده دارد. اما دست از اطلاق خطاب چهارم برداریم که می‌‌گفت انحراف از قبله در خارج وقت قضاء ندارد، ‌بگوییم او مربوط به جایی است که انحراف کمتر از نود درجه باشد، انحراف بیشتر از نود درجه در خارج وقت هم قضاء دارد. این هم لغویت عنوان لازم نمی‌آید. نتیجه‌اش این می‌‌شود: انحراف از قبله در داخل وقت مطلقا اعاده دارد و لو کمتر از نود درجه. این الغاء عنوان انحراف کمتر از نود درجه لازم نیامد چون اثرش در خارج وقت ظاهر می‌‌شود. در خارج وقت انحراف کمتر از نود درجه قضاء ندارد ولی بیشتر از نود درجه قضاء دارد. الغاء عنوان نود درجه لازم نیامد. برای قضاء اثر کرد. در خارج وقت تفصیل می‌‌دهیم بین انحراف کمتر از نود درجه که ما بین المشرق و المغرب است می‌‌گوییم قضاء ندارد ولی انحراف بیشتر از آن قضاء دارد. الغاء عنوان لازم نمی‌آید.

پس دو راه صحیح وجود دارد. صاحب حدائق می‌‌گوید چه تعینی دارد شما می‌آیید آن راه اول صحیح را ترجیح می‌‌دهید بر راه دوم صحیح که هیچکدام الغاء عنوان در آن نیست.

خیلی مطلب، مطلب متینی است. اگر نبود آن تلاش که صحیحه معاویة‌ بن عمار را کالاخص المطلق می‌‌خواستیم بکنیم واقعا فرمایش صاحب حدائق فرمایشی بود جواب نداشت.

و این قاعده کلیه است در فقه: اگر ما دو خطاب داشتیم، هرکدام متضمن یک تفصیل بود، همین بیان صاحب حدائق می‌آید. مثل باب صوم. در باب صوم در ماه رمضان اگر کسی سفر کند، دو خطاب داریم: یکی تفصیل می‌‌دهد بین سفر قبل از زوال، می‌‌گوید یفطر، سفر بعد از زوال می‌‌گوید یصوم، یبقی علی صومه. طائفه دوم تفصیل می‌‌دهد بین این‌که تبییت نیت اگر از شب کردی، سفر بکنی در روز، یفطر، روزه‌ات باطل می‌‌شود، ‌تبییت نیت نکردی سفر بکنی در روز روزه‌ات صحیح است. دو طائفه است، آنجا هم همین بیان می‌آید. خب ما چه کار بکنیم؟ تعارض هست بین این دو طائفه.

مشهور اصلا به این طائفه دوم اعتناء نکردند، کانّه لم یکن شیئا مذکورا. خب راحت هستند. اما آنی که می‌‌گوید بابا! یک طائفه ثانیه هم هست، تفصیل می‌‌دهد بین تبییت نیت از شب و عدم تبییت نیت، گیر می‌‌کند، ‌تعارض می‌‌کنند این دو طائفه. مقتضای تعارض و تساقط این است که بگوییم قدرمتیقن از این دو طائفه برای مشروعیت صوم جایی است که سفر بعدازظهر باشد بدون تبییت نیت. همینی که مرحوم آقای گلپایگانی احتیاط واجب می‌‌کرد. می‌‌گفت اگر بعدازظهر سفر کنید با تبییت نیت احتیاط واجب این است که هم روزه را بگیرید و هم قضائش را بگیرید. چرا؟ برای این‌که در بقیه فروض تعارض می‌‌کنند این دو طائفه. خروج قبل از زوال بدون تبییت نیت، خروج قبل از زوال با تبییت نیت که قدرمتیقن از هر دو خطاب است که یفطر، خروج قبل از زوال بدون تبییت نیت، اطلاق ان خرج قبل الزوال فلیفطر می‌‌گوید فلیفطر، اطلاق ان لم یبیّت النیة من اللیل فیصوم می‌‌گوید یصوم، چون لم یبیت النیة من اللیل. و همین‌طور سفر بعد از زوال با تبیین نیت. اطلاق ان خرج بعد الزوال یصوم می‌‌گوید یصوم، اطلاق ان بیت النیة من اللیل یفطر می‌‌گوید یفطر. تعارض و تساقط می‌‌کنند رجوع می‌‌کنیم به عموم لاتصم فی السفر.

حالا آنجا هم بعضی مثل آقای خوئی سعی کردند یک جوری مشکل را حل کنند‌، یک صحیحه رفاعه‌ای هست، ‌آورده‌اند پایش را به وسط مشکل را حل کنند، ‌وارد آن بحث نمی‌شویم. اما اصل فرمایش صاحب حدائق فرمایش کاملا متینی است. باید اشکال صغروی به ایشان بکنیم بگوییم عامین من وجه نیستند این دو خطاب.

اما راجع به بحث حکومت: آقای خوئی فرموده که به نظر من حکومت ما بین المشرق و المغرب قبلة در طائفه اولی، صحیحه معاویة بن عمار بر آن روایتی که در کلام خود امام آمده، ‌صحیحه دوم عبدالرحمن که خود امام فرمود من صلی الی غیر القبلة ان کان فی الوقت فلیعد و ان کان خارج الوقت فلایعید، بر او که حکومت دارد. حالا بر آن صلیت الی غیر القبلة‌ که سائل سؤالش را بر اساس آن مطرح کرد حکومت نداشته باشد، ‌بر این کلام امام که حکومت دارد. خود امام فرموده من صلی الی غیر القبلة ان کان فی الوقت فلیعد و ان کان خارج الوقت فلایعید، ‌در طائفه اولی فرموده ما بین المشرق و المغرب قبلة یعنی آن من صلی الی غیر القبلة یعنی انحراف بیشتر از نود درجه داشت.

اشکال فرمایش آقای خوئی این است که آقا!‌ عمده روایات که در سؤال سائل اخذ شده بود این عنوان. صحیحه عبدالرحمن هم دو جور نقل شده بود: یکی در سؤال سائل بود، ‌یکی در کلام امام بود، ‌خیلی بعید این است که این‌ها دو حدیث مستقل باشد با توجه به نقل معناها که در آن زمان بوده.

[سؤال: ... جواب:] آقای خوئی در کلام امام بوده ما عرض می‌‌کنیم.

ولی بحث را گسترده‌تر مطرح کنیم: لقائل ان یقول که چه لزومی دارد این عنوان در کلام امام باشد و لو در کلام سائل. سائلی می‌آید به امام می‌‌گوید هل یحرم الربا؟ امام می‌‌فرماید نعم، یک خطابی هم بعدا می‌آید: لاربا بین الوالد و الولد، ‌این حاکم نیست؟ چون در سؤال سائل گفته بود هل یحرم الربا و او انصراف دارد به ربای حقیقی. یا سائل گفته بود رجل صلی بغیر طهور امام فرمود یعید صلاته، یک جای دیگری بگویند الطواف بالبیت صلاة حاکم نیست بر این؟ چرا حاکم نیست؟ چه فرق می‌‌کند بین سؤال سائل و کلام امام؟

این شبهه مطرح است که چرا حکومت را هم آقای حکیم هم آقای خوئی فرض کرد باید محکوم در کلام امام علیه السلام باشد منتها آقای خوئی گفت اغلب روایات در سؤال سائل است، آقای خوئی یک روایت پیدا کرد که در کلام امام است.

راجع به این مسأله ان‌شاءالله بحث خواهیم کرد و الحمد لله رب العالمین.